

سلسله مباحث مهدویت

اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی (عج)

علی اصغر رضوانی


بسم الله الرحمن الرحیم

اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان و نام پدیدآور : اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام/ مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۴۶ ص.

فروست : سلسه مباحث مهدویت.

شابک : ۲۵۰۰ ریال ۹۶۴-۸۴۸۴-۹۵-۳ ؛ ۳۰۰۰ ریال (چاپ دوم) ؛ ۴۵۰۰ ریال چاپ پنجم: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۹۵-۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ دوم : زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ پنجم : تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- محل غیبت

موضوع : مسجد سهله.

موضوع : سرداب سامرا

موضوع : مسجد جمکران، قم.

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۵۱/۳۵/ر۶الف۸ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م۸۵-۱۸۳۹۰

ص:۱

اشاره



مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجّه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

مسجد جمکران

تاریخچه مسجد مقدّس جمکران

شیخ فاضل حسن بن محمّد بن حسن قمی که از بزرگان قدمای علمای شیعه و از معاصرین شیخ صدوق رحمه الله بوده است، در کتاب خود به نام تاریخ قم، راجع به بنای مسجد مقدس جمکران از کتاب «مونس الحزین فی معرفه الحق و الیقین» چنین نقل کرده است:

شیخ حسن مثله جمکرانی که یکی از صلحا است می گوید: من شب سه شنبه هفدهم ماه رمضان **۳۹۳** ه.ق در منزل خود در قریه جمکران خوابیده بودم، نیمی از شب گذشته بود که ناگاه عدّه ای از مردم به در خانه من آمدند و مرا بیدار کردند و گفتند که: برخیز و مولای خود حضرت مهدی صاحب الزمان صلوات اللّه علیه را اجابت کن که تو را طلب نموده است.

حسن می گوید: من برخاستم و خود را جمع و جور کرده و آماده شدم، گفتم بگذارید تا پیراهنم را بپوشم، آواز دادند که «هُوَ ما کانَ قَمِیصُکَ» پیراهن را نپوش که از تو نیست، دست بردم و شلوار خود را بر گرفتم، ندا آمد که «لَیْسَ ذلِکَ مِنْکَ فَخُذْ سَراوِیلَکَ» آن شلواری که برگرفتی از تو نیست، از آنِ خود را بردار؛ آن را انداختم و شلوار خود را برگرفتم و پوشیدم، آن گاه به طرف کلید رفتم تا درب منزل را باز کنم، آواز دادند که «أَلْبابُ مَفْتُوحٌ» درب باز است، چون به در منزل آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم، جواب دادند و مرحبا گفتند.

آن ها مرا به مکانی که هم اکنون مسجد جمکران است آوردند، چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن پهن و بالش های فاخر بر آن نهاده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت تکیه و بر چهار بالش تکیه کرده و پیرمردی هم در نزد او نشسته و کتابی در دست گرفته و بر آن جوان می خواند و بیشتر از شصت مرد در اطراف او بر این زمین در حال نماز خواندن بودند که بعضی جامه های سفید و بعضی دیگر جامه های سبز بر تن داشتند.

آن پیرمرد حضرت خضرعلیه السلام بود و مرا امر به نشستن نمود، آن گاه امام علیه السلام اسم مرا بردند و فرمودند: برو به حسنِ مسلم بگو تو پنج سال است که این زمین را تصرّف کرده و در آن چیز کاشته و کشاورزی می نمایی، ولی ما آن را خراب می کنیم.

این زمینِ شریفی است و حقّ تعالی آن را از زمین های دیگر برگزیده و شرافت داده است، امسال باز هم آن را مرتب نموده ای تا در آن به کشت و زرع بپردازی و حال آن که تو را چنین اجازه و حقّی نیست، بنابراین هر بهره و نفعی که تا به حال از این زمین برگرفته ای باید برگردانی تا در این مکان مسجدی بنا کنند.

خدای عزّوجل به خاطر این امرِ خلافی که انجام داده ای و آن را جزء زمین خود کرده دو پسر جوان تو را بازگرفت امّا تنبیه نشدی، اگر باز هم بخواهی چنین کنی کیفر الهی، آن گونه که آگاه نباشی، به تو خواهد رسید.

عرض کردم: ای آقا و مولایم؛ برای این موضوع باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم بدون نشانه سخن مرا قبول نمی کنند، امام علیه السلام فرمود:

«إِنّا سَنَعْلَمُ هُناكَ عَلامَةٌ» ما در اینجا علامت و نشانه قرار می دهیم تا سخن تو را تصدیق نمایند، تو برو و رسالت ما را انجام بده، (در قم) نزد سیّد ابوالحسن برو به او بگو تا با تو بیاید و حسن مسلم را حاضر نماید و منافع چند ساله را از او بگیرد و به مصرف بنای مسجد برساند. بقیه مخارج را از قریه رهقِ اَردَهال که مِلک ماست بیاورند و ساختمان مسجد را تمام کنند، نصف قریه رهق را بر این مسجد وقف کردیم که هر ساله در آمد آن را بیاورند و صرف عمارت مسجد نمایند.

مردم را بگو تا رغبت به این مکان نمایند و آن را عزیز دارند، چهار رکعت نماز اینجا بگذارند: دو رکعت اوّل به نیّت نماز تحیّت مسجد است که در هر رکعتی یک بار سوره حمد و هفت بار سوره قُلْ هُو اللَّهُ أَحَد خوانده می شود و ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار کنند.دو رکعت دوّم را به نیّت نماز امام زمان علیه السلام بخوانند به این ترتیب که چون سوره حمد را شروع به خواندن نمایند و به إِیّاکَ نَعْبُدُ وَإِیّاکَ نَسْتَعِین برسند آن را صد بار تکرار کنند و بعد از آن بقیه سوره حمد را بخوانند، و سپس سوره«قُلْ هُو اللَّهُ أَحَد» را فقط یک بار بخوانند و آن گاه ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار نمایند،رکعت دوّم را نیز به همین طریق بخوانند، چون نماز را تمام کنند یک بار تهلیل (لا اله إِلّا اللَّه) بگویند و سپس تسبیحات حضرت فاطمه زهرا سلام اللَّه علیها را خوانده و سر به سجده گذارند و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش علیهم السلام بفرستند.

سپس امام علیه السلام فرمودند: «فَمَنْ صَلّیها فَکَأَنَّما صَلّی فِی الْبَیْتِ الْعَتِیقِ»؛ «هرکس این نماز را بخواند مانند آن است که در کعبه نماز خوانده باشد.

ص:۱۱

حسن مثله جمکرانی می گوید: من به راه افتادم چند قدمی هنوز نرفته بودم که دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: بزی در گلّه جعفر کاشانی چوپان است، اگر مردم ده بهای آن را دادند وگرنه، از مال خود آن را خریداری کن و فردا شب، به این مکان بیاور و آن را بکش، آن گاه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان گوشت آن را بین بیماران انفاق کن، هر مریض و بیماری که از گوشت آن بخورد حق تعالی شفایش دهد، نشانی آن بز این است که ابلق بوده و موهای بسیار دارد و هفت علامت دیگر نیز داشته، سه علامت در طرفی و چهارتای دیگر در طرف آخر.

حسن مثله می گوید: به منزل برگشتم، تمام شب را در اندیشه بودم، تا صبح طلوع کرد و نماز را خواندم، سپس به منزل علی المنذر رفتم و احوال دیشب را با وی گفتم، با یکدیگر به آن جایگاه که مرا شب برده بودند رفتیم، قسم به خدا میخ ها و زنجیرهایی که حدود بنای مسجد را نشان می داد را مشاهده کردیم و آن ها همان نشان و علامتی بود که امام علیه السلام فرموده بودند.

سپس به طرف منزل سیّدابوالحسن در قم حرکت کردیم، چون به در منزل او رسیدیم خادمش را دیدیم که درب منزل در انتظار ماست، سؤال کرد تو از جمکرانی؟ گفتم: بلی، گفت سیّد از سحرگاه منتظر تو است.

من به داخل منزل او رفتم و سیّد ابوالحسن را سلام کردم، جوابی نیکو داد و ما را اعزاز و احترام کرده و بنشانید، آن گاه قبل از اینکه من چیزی بگویم به من فرمود: ای حسن مثله! شب گذشته خوابیده بودم، در خواب شخصی به من گفت: «بامداد مردی به نام حسن مثله از جمکران پیش تو آید، آنچه به تو

گوید او را تصدیق کن و بر گفتار او اعتماد نما؛ زیرا سخن او ، سخن ماست و باید قول او را ردّ نکنی». از خواب بیدار شدم، تا این ساعت منتظر تو بودم.

حسن مثله می گوید: من هم تمام احوال شب گذشته را با شرح و تفصیل برای سیّد ابوالحسن بیان کردم، سیّد بلافاصله دستور داد تا اسب ها زین کردند و بیاوردند و سوار شدیم، چون به نزدیک ده رسیدیم جعفر چوپان گله اش را در کنار جاده می چرانید، من در میان گلّه رفتم، بزی که از عقب گوسفندان می آمد به طرف من دوید، آن بز را گرفتم و به نزد جعفر چوپان آوردم، تا بهای آن را بدهم، جعفر سوگند یاد کرد که من هرگز این بز را ندیده ام و در گله من نبوده است، مگر امروز که می بینم، و هر چند که می خواهم آن را بگیرم ممکن نمی شود و اکنون که به نزد شما آمد.

پس بز را همچنان که امام علیه السلام فرموده بود در آن جایگاه آوردیم و ذبح نمودیم و گوشت آن را بین بیماران تقسیم کردیم و همه شفا یافتند.

سیّد ابوالحسن، حسن مسلم را احضار کرد و منافع چند ساله زمین را از او گرفت و امر کرد تا وجوه در آمد روستای رهق را نیز آوردند و مسجد را بنا کردند و با چوب پوشانیدند.

سیّد ابوالحسن الرضا زنجیره ها و میخ ها را به قم برد و در منزل خود گذاشت و بیماران می رفتند و خود را به آن ها می مالیدند و خدای تعالی شفای عاجل می داد.

ابوالحسن محمّد بن حیدر گوید که شنیدم که سیّد ابوالحسن الرضا در محله موسویان در شهر قم مدفون است و پس از او فرزندش بیمار شد و وی

به سر صندوقی که زنجیرها و میخ ها در آن نگهداری می شد رفت تا به وسیله آن ها شفا یابد، هنگامی که سر صندوق را باز کرد اثری از زنجیرها و میخ ها نیافت و هر چه مردم جست و جو کردند فایده ای نبخشید.

مرحوم محدث نوری بعد از نقل این واقعه شریفه مطالبی را می فرماید که خلاصه اش این است:

عالم جلیل آقا محمّد علی کرمانشاهی تاریخ این قصه را در سال ۳۹۳ نقل کرده است ولی ظاهراً در نوشتن اشتباه شده و در اصل ۳۷۳ بوده است؛ زیرا وفات شیخ صدوق قبل از ۳۹۰ می باشد و این قصه هم در زمان حیات شیخ صدوق واقع شده است.

امّا دو رکعت نماز منسوب به آن حضرت، از نمازهای معروف است و جماعتی از علمای بزرگ آن را روایت کرده اند:

نماز امام زمان علیه السلام

۱ - مرحوم شیخ طبرسی صاحب تفسیر در کتاب «کنوزالنجاح» این نماز را به همان ترتیب که در ضمن قصه گذشت روایت نموده و بعد از نماز دعایی را نقل فرموده است، امّا از تهلیل و تسبیح حضرت زهراسلام اللّه علیها و صد بار صلوات، ذکری به میان نیاورده است.

۲ - مرحوم سیّد عظیم القدر سیّد فضل اللّه راوندی در کتاب دعوات در ضمن نمازهای معصومین می فرماید: نماز مهدی صلوات اللّه و سلامه علیه دو رکعت است، در هر رکعت حمد یک مرتبه و صد مرتبه ایّاک نعبد و ایّاک

نستعین، و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات اللّٰه علیهم اجمعین می فرستد.

۳ - مرحوم سیّد جلیل علی بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع، همین نماز را به گونه ای که مذکور شد نسبت به آن حضرت داده، ولکن ذکر صد مرتبه صلوات بعد از آن را نقل نکرده و فرموده است که این دعای پس از نماز خوانده شود: «إِلهِی عَظُمَ الْبَلآءُ وَبَرِحَ الْخَفآءُ، وَانْکَشَفَ الْغِطآءُ وَانْقَطَعَ الرَّجآءُ، وَضاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ...»

ص:۱۵

خبر از مسجد جمکران

در حـدیثی از امیرالمؤمنین علیه السـلام نقل شده که خطاب به پسر یمانی فرمود: «ای پسر یمانی! قائم آل محمّدصلی الله علیه وآله در اوّل ظهور از شـهری خروج می کند که آن را قم می نامند. او مردم را به حق دعوت می کند و همه خلایق از شـرق و غرب عالم به آن شـهر بیاینـد و اسـلام زنده گردد. و هر کس که از ترس دشـمنان مخفی شده بیرون آیدد. وحوش و پرندگان در مسـکن هـا و جایگـاه خود در کمال آرامش بخوابنـد. چشـمه آب حیات از آن شـهر ظاهر شود، آبی که هر کسـی بیاشامد هلاک نشود. چشمه های بسیاری پدید آید و از آن پرچم حق ظاهر گردد و میراث همه انبیا بر روی آن سرزمین باشد.

ای پسـر یمانی! این سـرزمین، مقـدس است و از تمام پلیدی ها پاک می باشد و خداوند متعال اراده کرده که بهترین خلق خود را ساکن آن گرداند که دعایش مسـتجاب است. و حشـر و نشـر مردم از این سرزمین می باشد. و در این سرزمین قصری عظیم بنا کنند بعد از آن که قصـر مجوس پابرجا بوده است. و آن قصر از صاحب شهرت ملک روم است. و در این سرزمین گوسفند ابراهیم خلیـل را آورده و قربـانی کننـد. و در این سـرزمین هزار بت از بت هـای اهل روم را بشـکنند و نور حق بر این سـرزمین سـاطع گردد، و از اینجـا بوی مشـک به مشـام رسـد. حق تعـالی بیت العتیق را به این شـهر فرسـتد و بناهـا و آسـیاب هـا در این سرزمین ایجـاد شود، و منـازل و زمین هـای آن عـالی و گران بهـا گردد به طوری که زمینی را به بزرگی پوست گاو به پانصـد دینار دهند و عمارت آن هفت فرسنگ در هشت فرسنگ باشد. و پرچم او را بر این کوه سفید زنند به نزد دهی که کهن

که در جنب مسجد است و قصری کهن که قصر مجوس باشد و آن دِه را جمکران نامند. او از زیر یک مناره آن مسجد نزدیک آنجا که آتشخانه گبران بوده بیرون آید. و حضرت امام علیه السلام سفطی از زر بسته باشد و بر براق سوار شده و با ملائکه مقرّب و حاملان عرش گردش نماید. و منطق آدم و علم خلیل اللّٰه و حکمت حضرت داود و عصای موسی و انگشتر حضرت سلیمان و تاج طالوت همراه با او باشد، و بر سر او نام هر پیامبر و وصیّ و نام هر مؤمن و موحّدی نوشته شده است.(۱)

اگر کسی اشکال کند که مطابق روایتی حضرت مهدی علیه السلام از منطقه ای به نام کرعه ظهور خواهد کرد، و مطابق روایتی دیگر امام زمان علیه السلام از مکه ظهور خواهد نمود؟ در جواب گوییم: این سه روایت قابل جمع است؛ زیرا ابتدا بر چند قسم است: ابتدای حقیقی، اضافی و عرفی. و لذا می توان گفت که حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور به این سه منطقه سفر کرده و در آخر از کنار کعبه اعلام ظهور خواهند نمود.

۱- ۱. انوار المشعشعین ج ۱ ص ۱۹۷.

مستند ساختمان مسجد جمكران

مستند مسجد جمكران قضيه ای است كه مرحوم حاجی نوری در كتاب «نجم الثاقب» و «جنّه المأوی» و «الكلمه الطيّبه» و نيز ميرزا محمّد تقی ارباب قمی در كتاب «تاريخ دارالايمان» و ديگران از كتاب «تاريخ قم» تأليف حسن بن محمد بن حسن قمی، به نقل از كتاب «مونس الحزين» محمّد بن بابويه معروف به شيخ صدوق نقل كرده اند.

اين نقل مشتمل بر قضيّه ای از حسن بن مثله جمكرانی رحمه الله است كه در آن اشاره به ملاقاتی شده كه او در سال ۲۹۳ هجری در بيداری با امام زمان عليه السلام داشته است. در اين ديدار حضرت به او دستور می دهد كه با عالم جليل القدر سيد ابی الحسن الرضا از علمای قم ارتباط پيدا كرده و با كمك او مسجدی را در اين مكان موجود بنا نمايد... .(۱)

قابل توجه اينكه كتاب «انوار المشعشعين» از كتاب «تاريخ قم» و او نيز از كتاب «مونس الحزين» از اميرالمؤمنين عليه السلام، قضيه به اهتزاز در آمدن پرچم امام زمان عليه السلام از مسجد جمكران را نقل كرده است.

مدرک نماز خاصّ مستحبی در مسجد جمكران

در قضيّه ای كه حسن بن مثله جمكرانی نقل می كند، آمده است: حضرت فرمود: «... در اين مكان هفت روز اقامت كن و در آن چهار ركعت نماز گزار، دو ركعت نماز تحيّت مسجد، در هر ركعت يک بار سوره حمد و هفت بار سوره

۱- ۲. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۰.

اخلاص، و تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار تکرار کن. و دو رکعت نیز نماز به نیّت نماز صاحب الزمان به جای آور، در رکعت اوّل سوره حمد، و هنگامی که به «ایّاک نعبد و ایّاک نستعین» رسیدی این جمله را صدبار تکرار کن، و بعد از اکمال سوره حمد، یک بار سوره اخلاص را می خوانی، آن گاه ذکر رکوع و سجود را هر کدام هفت بار می گویی، و در رکعت دوم نیز همین عمل را تکرار می کنی.

بعد از اتمام نماز یک بار ذکر «لا إله الاّ اللَّه» می گویی و بعد از تسبیحات حضرت زهراعلیها السلام صد بار صلوات در سجده می فرستی. آن گاه فرمود: بر تو باد به مواظبت بر این نماز و هر کس در آن مسجد حاضر شود و این نماز را به جای آورد مثل آن است که در بیت العتیق (خانه خدا) نماز گزارده است».

اعتبار سند بنای مسجد مقدّس جمکران

در مورد بنای مسجد مقدس جمکران و خواندن نماز در آن، احتیاج به بررسی سند این قضیه نیست، زیرا مطابق احادیث صحیح السند که در مورد اعمال مستحب رسیده هرکس به گمان رسیدن به ثواب، عمل مستحبی را انجام دهد به او ثواب داده می شود گرچه آن حدیث واقعیت نداشته باشد.

کلینی به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «من سمع شیئاً من الثواب علی شیئ فصنعه کان له وإن لم یکن علی ما بلغه»؛ «هرکس چیزی از ثواب بر عملی بشنود و آن را انجام دهد، به او پاداش داده خواهد شد گرچه مطابق آنچه به او رسیده نباشد».

ص:۱۹

برقی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «من بلغه عن النبیّ شیئ من الثواب فعمله کان اجر ذلک له وإن کان رسول اللَّه صلی الله علیه وآله لم یقله»؛ «هرکس از پیامبرصلی الله علیه وآله چیزی از ثواب به او برسد و مطابق آن عمل کند، پاداش آن به او داده می شود گرچه پیامبر آن را نفرموده باشد».

کتاب «تاریخ قم»

کتاب «تاریخ قم» که الآن در دسترس محقّقین است یک چهارم اصل کتاب می باشد؛ زیرا مطابق آنچه در کتاب آمده این کتاب مشتمل بر بیست باب بوده که تنها پنج باب آن به دست رسیده و چاپ شده است. و لذا احتمال قوی است که قضیه جمکران در آن بخشی از «تاریخ قم» بوده که مفقود شده است. و مرحوم محدّث نوری و مشایخ او بر اصل کتاب دسترسی پیدا نکرده اند. و لذا او این قضیه را از سید نعمت اللَّه جزایری نقل کرده که اصل نسخه «تاریخ قم» در دسترس او بوده است.

کتاب «مونس الحزین»

ما نیز انتساب این کتاب را به شیخ صدوق رحمه الله بعید می دانیم، ولی این، دلیل نمی شود که کتاب «مونس الحزین» وجود خارجی نداشته باشد، بلکه برای شخص دیگری است.

ابن شهر آشوب در «المناقب» این کتاب را به فتّال نیشابوری نسبت می دهد و می گوید: فتّال نیشابوری در کتاب مونس الحزین به سندش از

عیسی بن حسن از صادق علیه السلام ... ، آن گاه با این سند معجزه ای از معجزات امام حسن مجتبی علیه السلام را نقل می کند.(۱)

علامه مجلسی نیز این معجزه را از کتاب «المناقب» نقل کرده و در انتساب این کتاب به فتّال نیشابوری اعتراضی نکرده است.(۲)

قبل از مرحوم مجلسی، سید محمد بن ابی طالب حسینی در کتاب «تسلیه المجالس» از کتاب «مونس الحزین» فتّال نیشابوری حدیث نقل کرده و در انتساب کتاب به او هیچ گونه تردیدی نکرده است.

انتساب «مونس الحزین» به شیخ صدوق

احتمال دارد که این قضیه به جهت تناسب با تاریخ قم در حاشیه این کتاب نوشته شده و سپس به مرور زمان از حاشیه داخل متن کتاب شده است. و از آنجا که فتّال نیشابوری در سال ۵۰۸ به شهادت رسیده و دو قرن بعد از نویسنده کتاب تاریخ قم بوده که معاصر شیخ صدوق است، لذا این کتاب به شیخ صدوق نسبت داده شده است.

این کار بسیار زیاد اتفاق افتاده است که صاحب «قاموس الرجال» نمونه هایی از آن را نقل می کند. از آن جمله اینکه در کتاب «مُقنعه» شیخ مفیدرحمه الله در مورد حدیث نماز استخاره ذات الرقاع آمده است. «و هذه الروایه شاذه».(۳)

۱- ۳. المناقب، ج ۴، ص ۸.
۲- ۴. بحارالأنوار، ج ۳۳، ص ۳۲۷.
۳- ۵. المقنعه، ص ۲۱۹.

ولی مرحوم مجلسی بعد از نقل کلام «مُقنعه» می گوید: «سیّد بن طاووس می گوید: نزد من نسخه ای قدیمی از کتاب «مُقنعه» است که تاریخ آن منطبق بر عصر شیخ مفید است و در آن این جمله: «وهذه الروایه شاذه» وجود ندارد. لذا ممکن است که برخی از حاشیه نویسان آن را در حاشیه کتاب نوشته ولی به مرور زمان داخل در متن کتاب شده است.(۱)

مؤید این مطلب اینکه در زمان قدیم چاپ نبوده و از روی هر کتاب استنساخ (رونویسی) می کرده اند و افرادی بودند که حرفه آن ها رونویسی بوده است هر چند خودشان عالم به مباحث آن کتاب نبوده اند.

اهمیّت مسجد جمکران

این مسجد از اهمیّت خاص برخوردار است:

۱ - مسجد، در مکانی بنا شده که مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی از امام زمان علیه السلام، از مکان هایی است که خداوند متعال از قبل مورد توجه قرار داده است.

۲ - مسجد به امر و دستور حضرت حجت علیه السلام بنا شده است، و همین جهت در شرافت و قداست آن کافی است.

۳ - ثواب خاصی که برای نماز در آن مسجد ذکر شده است، زیرا حضرت فرمود: «هر کس آن دو نماز را در این مکان بخواند به مانند آن است که در بیت العتیق نماز به جای آورده است».

۱- ۶. بحارالأنوار، ج ۸۸، ص ۲۸۸.

۴ – مسـجد مقدس جمکران محلّ اجتماع عشّاق و موالیان اهل بیت علیهم السـلام خصوصاً امام زمان علیه السلام است و لذا از جاذبه خاصّ‌ی برخوردار می باشد. چه بسا کسانی که هر هفته از راه های دور به عشق حضـرت مهدی علیه السلام به این مکان آمده و از فیوضات حضـرت بهره مند می شوند. طبق آماری که داده شده برخی از شب ها تا حدود یک میلیون نفر نیز در این مکان مقدس از عشّاق امام زمان جمع شده اند.

۵ – این مکان از اماکن مقدس است که بسـیاری از گرفتاران و بیماران صـعب العلاج بلکه کسانی که محال بوده از راه طبیعی علاج شوند در این مکان مقدّس شفا یافته اند.

۶ – این مکان مقدّس از جمله مکان هایی است که بسیاری از عشّاق و موالیان حضرت به لقای ایشان شرفیاب شده اند.

۷ – این مکان از چنان قـداست و احترامی برخوردار است که بزرگان علما در طول تاریخ آن با پای پیاده یا سواره برای توسـل به حضرت و نماز گزاردن در آن، از راه های دور و نزدیک، مشرّف شده اند.

مدرک چهل بار رفتن به جمکران

در مورد سؤال فوق دلیل خاصی وجود ندارد بلکه از سه طریق می توان مشروعیّت آن را به اثبات رسانید:

۱ – سـیره متشرّعه از علما و صلحا و اتقیا بر مداومت رفتن چهل بار به مسجد جمکران است همان گونه که این عمل در مسجد سهله نیز انجام می شود.

ص:۲۳

۲ – در روایات بسیاری به این مطلب اشاره شده که هرکس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می گردد.(۱)

۳ – از مجموعه روایات استفاده می شود که عدد چهل در شکوفایی قابلیّت های مادّی و معنوی تأثیر بسزایی دارد، از آن جمله:

– تأثیر عدد چهل در رشد فرزند در رحم.

– تأثیر شراب خوردن در عدم قبولی نماز تا چهل روز.

– قبولی توبه بهلول نبّاش بعد از چهل روز.

– کناره گیری پیامبرصلی الله علیه وآله از خدیجه به جهت انعقاد نطفه حضرت زهراعلیه السلام به مدّت چهل روز.

– چهل روز دعای عهد را خواندن باعث می شود که انسان از یاران امام زمان علیه السلام باشد.

– امام زمان علیه السلام هم چهل روز تحت تربیت ملائکه بود.

– طینت حضرت آدم علیه السلام در چهل روز خمیر شد.

– حضرت موسی علیه السلام تا چهل روز با خداوند در کوه طور ملاقات داشت.

– پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بعد از چهل سالگی به نبوّت مبعوث شد.

– عقل انسان تا چهل سال قابل رشد است.

– شهادت چهل مؤمن بر میّت موجب مغفرت او از جانب خداوند می شود.

– حفظ چهل حدیث انسان را در قیامت، فقیه محشور می کند.

۱– ۷. کافی، ج ۲، ص ۱۶ ؛ عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ص ۲۵۸.

- حدّ همسایه تا چهل خانه است.

- حریم مسجد تا چهل خانه است.

و سایر موارد.

از این احادیث و موارد دیگر استفاده می شود که عدد چهل در قابلیت بخشیدن و رساندن انسان به کمالات و شکوفا شدن او تأثیر بسزایی دارد، و لذا می توانیم از این موارد الغای خصوصیّت کرده، عدد چهل و چلّه گیری را در تمام موارد کارهای خیر تعمیم دهیم.

سیّد بحرالعلوم می گوید: «ما بالعیان مشاهده کرده ایم و به بیان دانسته ایم که برای این رقم از عدد «چهل» خاصیّت و تأثیر مخصوصی در ظهور استعدادها و تکمیل ملکات انسانی در طیّ منازل و پیمودن مراحل است».(۱)

مدرک شب چهارشنبه

مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، که خدمت حضرت مشرّف شد، ملاقات در شب سه شنبه بوده است. حضرت به او دستور می دهد که در میان گله جعفر کاشانی بزی است، بر تو است که آن را خریده و در این موضع ببری و آن را در شب آینده «شب چهارشنبه» ذبح کنی و گوشت آن را در روز چهارشنبه توزیع نمایی... .(۲)

از تعبیر و دستور امام علیه السلام که فرمود: شب چهارشنبه بز را ذبح کن استفاده شده که این شب از ارزش خاصّی برخوردار است، و لذا مخلصین حضرت در

۱- ۸. رساله سیر و سلوک، ص ۲۳.

۲- ۹. بحارالأنوار، ج ۵۳، ص ۲۳۲.

این شب مبارک دور هم جمع می شوند و با استمداد از خداوند متعال و توسل به آن حضرت درصدد ذبح نفس اماره خویش برآمده و حاجات خود را از آن حضرت طلب می کنند.

تشرف بعد از چهل شب چهارشنبه

در مورد مسجد جمکران دلیل خاصّی نداریم که اگر کسی چهل شب چهارشنبه به مسجد جمکران برود به زیارت حضرت مهدی علیه السلام مشرّف می شود. ولی این مطلب را می توان از راه دیگری به اثبات رسانید، و آن اینکه: مطابق برخی از روایات عدد چهل اثری تکوینی در بروز استعدادها و به فعلیّت رسیدن آن ها دارد. حال اگر کسی به نیّت تشرّف به محضر مبارك حضرت بقیه اللّه الاعظم به این مکان مقدّس شرفیاب شود و جداً از خدا ملاقات را بخواهد. و از طرف دیگر خود را برای ملاقات با آن انسان کامل آماده کند و قابلیّت ملاقات را نیز با اعمال صالحه تحصیل نماید، امید است که به ملاقات آن حضرت شرفیاب گردد، همان گونه که افراد بسیاری به این نتیجه رسیده اند.

چرا به جمکران می رویم؟

ما معتقدیم که امام زمان علیه السلام احاطه علمی دارد و هر کجا که مصلحت ببیند می رود، ولی مسجد جمکران از ویژگی خاصّی برخوردار است:

اولاً: مطابق روایت حسن بن مثله جمکرانی، این مکان مقدس به امر

مبارک امام زمان علیه السلام ساخته شده و حضرت از مردم خواسته اند تا در این مکان حاضر شده و چهار رکعت نماز با طرز مخصوص آن بخوانند.

ثانیاً: این مکان مقدس در طول قرن ها محلّ اجتماع عشّاق و دلسوختگان حضرت است که از اطراف و بلاد مختلف به آن مکان می آیند، و لذا ما نیز می توانیم از برکات آن مکان مقدس بهره مند شده و از نفوس دیگران نیز استفاده نماییم. و لذا گفته اند که دست خدا با جماعت است.

ثالثاً: نفس حرکت به سوی محبوب از راه دور برای رسیدن به او آثار و برکات عجیبی دارد. از یک طرف باعث توجّه بیشتر او به انسان شده و از طرف دیگر انسان را در توجّه بیشتر به آن حضرت ترغیب می نماید.

ص:۲۷

مسجد سهله

اشاره

مطابق برخی از روایات این مسجد اقامتگاه شخصی حضرت بقیه اللّه - ارواحنا فداه - در دوران ظهور خواهد بود.

۱ - روزی نزد امام صادق علیه السلام سخن از مسجد سهله به میان آمد، حضرت فرمود: «اما إنّه منزل صاحبنا إذا قام بأهله»؛(۱) «آگاه باشید! همانا آن مکان اقامتگاه صاحب ما است، هنگامی که با اهلش قیام کند.»

۲ - و نیز از حضرت علیه السلام نقل شده که خطاب به ابوبصیر فرمود: «یا ابا محمّد! کأنّی اری نزول القائم علیه السلام فی مسجد السهله بأهله وعیاله»؛(۲) «ای ابامحمّد! گویا فرود آمدن قائم علیه السلام را با اهل و عیالش در مسجد سهله با چشم خود می بینم.»

سفارش به حضور در مسجد سهله

مطابق برخی از روایات، حضور در این مسجد و نماز به جای آوردن در آن سفارش بسیار شده است:

۱ - امام صادق علیه السلام خطاب به علاء بن رزین فرمود: «در نزدیکی شما مسجدی هست که شما آن را «مسجد سهله» نامیده و ما آن را «مسجد

۱- ۱۰. کافی، جلد ۳، ص ۴۹۵.

۲- ۱۱. بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.

شری» می نامیم. آیا در آن مسجد نماز به جا می آوری؟ علاء گفت: آری، جانم به فدایت، من در آن جا نماز می خوانم. آن گاه حضرت فرمود: «ائته، فانّه لم یأته مکروب الاّ فرّج اللّه کربته - او قال: قضی اللّه حاجته...»؛(۱) «آن جا برو؛ زیرا هرگز اندوهناکی به آن جا نمی رود جز این که خداوند اندوهش را می زداید. - یا فرمود: حاجتش را برآورده می کند -...».

۲ - و نیز از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ما من مکروب یأتی مسجد السهله فیصلّی فیه رکعتین بین العشائین و یدعو اللّه تعالی الاّ فرّج اللّه کربه»؛(۲) «هیچ غم زده ای نیست که به مسجد سهله برود و در آن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا به جای آورد و خدا رابخواند، جز آن که خداوند غم هایش را زایل می گرداند.»

۳ - و نیز فرمود: «اذا دخلت الکوفه، فأت مسجد السهله، فصلّ فیه و اسأل اللّه حاجتک لدینک و دیناک»؛(۳) «هر گاه وارد کوفه شدی به مسجد سهله برو و در آن جا نماز بگزار، آن گاه حاجت های مادّی و معنوی خود را از خداوند طلب کن.»

شب چهارشنبه در مسجد سهله

در مورد حضور در مسجد سهله در شب چهارشنبه، مدرکی از ناحیه اهل بیت علیه السلام به دست ما نرسیده است، جز این که سید بن طاووس فرموده:

۱- ۱۲. بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۷.

۲- ۱۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۶.

۳- ۱۴. بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۴.

«اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشای شب چهارشنبه قرار بده که این وقت از دیگر وقت ها برتر است».(۱)

محدّث نوری در این مورد می گوید: «امّا مستند چهل شب همان عمومات است».(۲)

مقصود ایشان از عمومات، روایاتی است که بر عدد چهل و عمل چله گیری آثار مترتّب کرده است.

۱- ۱۵. مصباح الزائر، ص ۱۰۵.

۲- ۱۶. النجم الثاقب، ص ۸۴۵.



سرداب مقدس

توضیح

اهل سنت برای استهزاء عقاید شیعه درباره امام زمان می گویند: شیعه معتقد است که مهدی موعود بعد از تولدش در سردابی مخفی شد و غیبت خود را از آنجا شروع کرد و تاکنون در آن سرداب مخفی است، و هنگام ظهور نیز از همان سرداب خروج خواهد نمود، و لذا شیعیان از صبح تا غروب در آن سرداب به انتظار ظهورش می نشینند و اشک ماتم می ریزند.

اتهام اهل سنّت به شیعه

ذهبی می گوید: «محمّد بن حسن عسکری ،فرزند علی الهادی، فرزند جواد، فرزند علی الرضا، ابوالقاسم علوی حسینی، خاتم دوازده امام نزد شیعه، او منتظر رافضه است، کسانی که گمان می کنند او مهدی و صاحب الزمان و خلف حجت است. و اوست صاحب سرداب در سامراء... آنان چهارصد و پنجاه سال است که انتظار ظهور او را دارند، و ادعا می کنند که او وارد سردابی در خانه پدر خود شد در حالی که مادرش او را نظاره می کرد و تاکنون از آن سرداب خارج نشده است، او در حالی که نه ساله بود در آن سرداب داخل شد و معدوم گشت».(۱)

۱- ۱۷. سیراعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹.

ابن خلکان می نویسد: «رأی شیعه درباره مهدی آن است که او منتظر قائم مهدی، و صاحب سرداب است. گفته های آنان در رابطه بـا مهـدی بسـیار است. شـیعیان انتظـار ظهور او را در آخرالزمـان از سـرداب سـامرا دارنـد... آنان می گوینـد: که او وارد سردابی در خانه پدر خود شد در حالی که مادرش او را نظاره می کرد، و تاکنون از آن سرداب بازنگشته است...».(۱)

گنجی شافعی می نویسد: «بقای مهدی در قید حیات در سـرداب در طول این مدت بدون طعام و آب به قدرت خداوند سبحان بوده است.»(۲)

ابراهیم مشوخی از علمـای اهـل سـنت می گویـد: «قول چهـارم درباره مهـدی آن است که او همان محمّـد منتظر فرزنـد حسـن عسـکری از نسل حسین بن علی – نه از نسل حسن – است، او کسی است که در تمام شهرها حاضر بوده ولی از دیدگان غائب است. کسـی که وارث عصای موسـی است، و فضا را خواهد پیمود. او در حالی که طفل صغیری بود بیش از پانصد سال است که داخل سـرداب سامرا شـده و بعـد از آن هرگز کسـی او را ندیـده و کسـی از او خبر و اثری نـدارد. شـیعیان هرروز به انتظار نشسـته، اسب هـای خود را بر در سـرداب نگاه داشـته و فریاد می آورنـد: ای مولای ما بیا به سوی، ما و این کار هر روز آن ها است».(۳)

ابن خلـدون در تاریخ خود می نویسد: «شـیعه گمان می کند که امام دوازدهم خود به نام محمّد بن حسن عسـکری و ملقّب به مهدی، وارد سرداب خانه خود در حلّه شده و از زمانی که با مادرش زندانی شدند در آن سرداب غائب است،

۱– ۱۸. تاریخ ابن خلکان.

۲– ۱۹. البیان، فصل آخر.

۳– ۲۰. المهدی المنتظر، ۵۸ – ۵۹، چاپ اردن.

و اوست که در آخرالزمان خروج کرده و زمین را پر از عـدل و داد خواهـد نمود... آنان تاکنون به انتظار او نشسـته انـد و او را بـدین جهت منتظر می نامند. هرشب بعد از نماز مغرب با مرکبی که همراه خود آورده اند بر در این سـرداب توقف می کنند و با اسم او را می خواننـد و از او می خواهند که خروج کند و این عمل تا پاسـی از شب ادامه دارد. آن گاه پراکنده می شوند تا شبی دیگر فرا رسد و این عمل را تکرار کنند».(۱)

آن گاه در مصادر ادعای خود به کتاب الفصل ابن حزم و الملل و النحل شهرستانی آدرس می دهد.

عبدالمحسن بن حمد العباد از علما وهابی می نویسد: ««امّا مهدی نزد شیعه همان محمدبن حسن عسکری است، او در نیمه قرن سوم متولد شد و در حالی که صـغیر بود داخل سـردابی در سامراء شد و تاکنون در آن سـرداب به سـر می برد. و او همان امام دوازدهم از ائمه آنان است که معتقد به عصمت آن هایند».(۲)

سعد محمّد حسن در کتاب «المهدیه فی الاسلام»(۳) و قصیمی در کتاب «الصراع بین الاسلام و الوثنیه»(۴) نیز همین اتهام را به شیعه وارد نموده اند.

پاسخ یک اتهام

اولاً: سـرداب عبارت است از طبقه پایین ساختمان خانه که در مناطق گرمسیر به جهت حفاظت از گرمای شدید در روز، آن را می ساختند و این نوع

۱- ۲۱. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۱۹۹، فصل ۲۷.

۲- ۲۲. الردّ علی کذّب بالاحادیث الصحیحه الوارده فی المهدیّ علیه السلام، ص ۳۰۱.

۳- ۲۳. المهدیّه فی الاسلام، ص ۱۲۹ - ۱۳۰.

۴- ۲۴. الصراع بین الاسلام و الوثنیه، ص ۴۲.

ساختمان در غالب خانه های عراق مشاهده می شود، که سامراء نیز از آن مستثنا نبوده است.

امام هادی علیه السلام در خانه خود به جهت آسایش خانواده و حفاظت از گرما چنین سردابی را ساخته بودند، که بعد از شهادتشان به امام حسن عسکری علیه السلام به ارث گذارده شد.

طبق نصّ تاریخی امام مهدی علیه السلام از زمان ولادت از دیدگان مردم مخفی بود. و بعد از شهادت پدرش امام حسن عسکری علیه السلام بر جسد آن حضرت نماز بجای آورد و رسماً غیبت خود را از آن خانه آغاز کردو از آنجا که سکنای حضرت و سایر اعضای خانواده او در آن سرداب بوده لذا مکان غیبت را به آن سرداب نسبت می دهند. این سرداب برای شیعیان اهل بیت علیهم السلام از آن جهت مقدس شمرده می شود که امام زمان و پدر و جدّش علیهم السلام در آن به سر برده و عبادت به جای می آوردند، از همان مکان نیز امام زمان علیه السلام از انظار مردم غائب شد. و نسبت غیبت حضرت به سرداب همانند نسبت غیبت کلّ خانه و هر مکانی است که امام زمان در آن دیده شده است. لذا نهایت جهل و نادانی است که کسی به شیعه نسبت دهد که آنان معتقدند که امام زمان علیه السلام در سرداب غائب شده و تا هنگام خروج در آن باقی است!! زیرا مطابق روایات فراوان امام زمان در سرزمین های مختلف با موالیان خود وارد می شوند و در مناطق مختلف گردش می کنند. در موسم های دینی همچون حج حاضر شده و اقامه شعائر می نماید و شاهد زنده ها و مرده ها خواهدبود.

و لذا بهترین و زیباترین تعبیری که می توان در مورد سرداب مقدس

و زیارت مردم از آن و اعتقادشان نسبت به آن به کار برد، این است: از آنجا که حضرت مکان خاصی ندارد لذا شیعیانشان در محل های اختصاصی به آن حضرت دور هم جمع می شوند و به یاد آن حضرت ندبه کرده و از او درخواست ظهورش را می کنند.

در حقیقت سرداب مقدس از آن جهت که شروع غیبت از آنجا بوده لذا جنبه رمزی داشته در آنجا شیعیان حضرت گرد هم می آیند و از خداوند متعال طلب خروج او را می کنند. مگر نه این است که برخی از مکان ها نسبت به برخی دیگر برتری داشته و دارای تبرک است؟ سرداب مقدس نیز محل عبادت سه امام از ائمه شیعه بوده است. مکانی که به امام زمان علیه السلام انتساب دارد.

مگر نه این است که در هر شهر و کشوری مکان های مقدسی به عنوان یادبود وجود دارد که شبانه روز صدها یا هزاران نفر در کنار آن ها جمع می شوند تا با توجه به آن ها یادبودی از مسائل و اموری اساسی و تجدید عهدی نسبت به آن ها باشد.

آنان هرگز آن مکان ها را تمجید و تقدیس نمی کنند، بلکه در کنار آن ها یاد افرادی را گرامی می دارند که در آن مکان ها می زیسته یا به جهتی به آن وابسته بوده اند.

علامه امینی در این زمینه می فرماید: «...شیعه اعتقاد ندارد که غیبت امام در سرداب است و خودشان او را در آن سرداب مخفی کرده اند و از همانجا نیز ظهور خواهد کرد، بلکه اعتقاد شیعه که با احادیث تأیید شده بر آن است که او از مکه معظّمه مقابل خانه خدا ظهور خواهد کرد. هرگز کسی قائل نشده که

سرداب مقـدس آن نـور را در خـود مخفی کرده است. بلکه آن، سـرداب خـانه امامـان در سـامراء بـوده است. و این مسأله ای همگـانی در خـانه های عراق است که به جهت حفاظت از گرما می سازنـد. این سـرداب به طور خصوص از آن جهت شـرف پیـدا کرده که به سه نفر از امامان دین منسوب است،خانه ای که خداوند متعال اذن داده که ارتفاع معنوی یافته و در آن اسم و ذکر خدا برده شود».(۱)

ثانیاً: عقیده هر مذهبی را می توان از لابلای کتاب های علمای آن مذهب یافت. با مراجعه به کتاب های علمای شیعه از قبل از ولادت امـام مهـدی علیه السـلام تـا این زمان که در دسترس همه وجود دارد، پی خواهیم برد که هیـچ یک از آن ها حتی نزد مبتـدیان از آن هـا چنین اعتقـادی را در مورد حضـرت مهـدی علیه السـلام و غیبت و ظهور او ندارنـد. بلکه در کتب مربوط به حضرت اسمی از سرداب مقدس آورده نشده است به جز قضیه معتضد عباسی که در آن اشاره به سرداب حضرت شده است.

رشـیق صاحب مادرای می گویـد: «معتضـد مرا به همراه دو نفر دیگر به سامرا فرسـتاد تا اگر فرزندی برای امام حسن عسـکری است دسـتگیر نموده به نزد او آوریم، و آدرس دقیق منزل حضـرت را نیز داد. مـا به سـامرا رسـیدیم و منطقه را همـان گونه که توصـیف کرده بود یافتیم... او بعـد از توصـیف خانه حضرت و این که چگونه امام زمان را مشاهـده کرده می گوید: ما هرچه کردیم که به او دسترسـی پیدا کنیم، نتوانستیم، دور تا دور آن خانه را آب فرا گرفته بود، لذا هنگامی که احمدبن عبداللّه قصد کرد نزدیک شود در آن آب غرق شد.

ص:۴۲

۱- ۲۵. الغدیر، ج ۳، ص ۳۰۸ - ۳۰۹.

معتضـد بعـد از رسـيدن خبر شـكست آن هـا لشـكرى را به سوى خـانه حضـرت روانه كرد، آنان هنگامى كه وارد خانه شـدند صـداى قرائت قرآن را از سـرداب شـنيدند، بر در سـرداب ايسـتادند تا از آن خارج نشود. امير آنان نيز منتظر بود تا تمام لشـكر برسد،ولى امام زمان عليه السـلام به قدرت الهى ازدر سـرداب خارج شد و از جلو آنان گذشـته و از ديد آن ها غائب شد. امير مى گويد: وارد سرداب شويد. به او مى گويند: مگر همين طفل نبود كه از جلو ما گذشت؟ امير گفت: من او را نديدم، چرا او را رها كرديد؟ گفتند: ما گمان نموديم كه شما او را ديده ايد و دستورى صادر نكرديد.(۱)

ظـاهر آن است كه اين روايت سـبب شـده كه سـرداب حضـرت را به سـرداب غيبت بنامنـد، و يا به وجه ديگرى كه قبلاً به آن اشاره شد.

ما هنگامى كه به علماى اهل سـنت عقيـده اى را نسـبت مى دهيم مصـدر و مرجع آن را ذكر مى كنيم ولى – مع الاسف – اهل سنت در اين نسبت به شيعه انصاف را به خرج نداده و بدون ذكر مرجع و مصدر اين اتهام را به علماى شيعه نسبت داده اند.

ثالثاً: از روايات بسـيارى اسـتفاده مى شود كه امام زمان عليه السلام در عصر غيبت نه تنها در سرداب مقدس مخفى نيست،بلكه هيچ مكان خاصى براى او وجود ندارد.

۱ – امام زمان عليه السـلام در خطاب خود به ابراهيم بن مهزيار فرمود: «پدرم مرا وصـيت كرده كه در سرزمين هاى دور مخفى و سكنى گزينم تا امرم براى مردم

ص:۴۳

۱– ۲۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ح ۳۷، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۹۴۳.

مخفی بمانـد، و محلّم از کیـدهای اهل گمراهی و ارتداد از حوادث امت های گمراه محفوظ بماند، لذا این سـفارش مرا به تپّه های بلند کشانده است...».(۱)

۲ – و نیز در روایتی دیگر در مورد آن حضرت می خوانیم: «...کسی که در شهرها حاضر و از دیدگان غائب است».(۲)

شیخ صدوق همین اعتقاد را در کتاب «الهدایه» آورده است.(۳)

شیعه معتقد است که گرچه از زمان غیبت صـغری تاکنون حضرت از عموم مردم غائب بوده است ولی این بدان معنا نیست که هیچ کس نتوانسته است خدمت او شرفیاب شود ،چه بسیار افرادی که در غیبت صغری و کبری به خدمت آن حضرت رسیده و از برکاتش استفاده ها برده اند، که در لابلای کتب به آن اشاره شده است.

ابوجعفر کلینی در کتـاب «کـافی» بـابی را به نـام «بـاب فی تسـمیه من رآه» آورده و روایـات بسـیاری را در مورد کسانی که به خدمت حضرت شرفیاب شده اند آورده است.(۴)

و نیز شیخ مفید در کتاب «الارشاد» و شیخ صدوق در «کمال الدین» و دیگران در این زمینه روایاتی را ذکر کرده اند.(۵)

اسـحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «للقائم غیبتان: احداهما قصیره والأخری طویله. الغیبه الاولی لایعلم بمکانه فیها إلّا خاصه

۱– ۲۷. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۱.

۲– ۲۸. بحارالانوار.

۳– ۲۹. الهدایه، ص ۳۰.

۴– ۳۰. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹ – ۳۳۲.

۵– ۳۱. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۱ – ۳۵۵، کمال الدین، ص ۴۲۴ – ۴۳۴.

شیعته، والأـخری لاـ یعلم بمکانه فیها إلّا خاصه موالیه»؛(۱) «برای قـائم دو غیبت است یکی کوتـاه و دیگری طولاـنی، در غیبت کوتاه کسـی غیر از خواص از شـیعیانش از مکان او اطلاع ندارنـد، و در غیبت دوم نیز تنها خواص از دوسـتدارانش از مکان او آگاهند».

رابعاً: از جمله دروغ هایی که به شـیعه امامیه نسـبت داده انـد این که آنان معتقدند که امام مهدی علیه السـلام در آخرالزمان از سرداب سامرا خروج خواهـدکرد، همان گونه که در لابلای عبارات مخالفین مشاهده نمودیم. ولی با مراجعه به کتب حدیثی و تاریخی و دیگر کتب شـیعه پی خواهیم برد که آن ها هرگز چنین اعتقادی را ندارند، بلکه معتقدند که آن حضرت همانند جدّ بزرگوار خود از مکه ظهور و خروج خواهند نمود.

فضل بن شاذان نیشابوری به سـند خود از امام صادق علیه السلام و او از امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی طویل نقل می کند که فرمود: «هوالتاسع من ولـدک یا حسـین، یظهر بین الرکینن...»؛(۲) «..او نهمین از فرزنـدان توست ای حسـین! که بین رکن و مقام ظهور خواهد کرد...».

صفوان بن یحیی نیز به سـند خود از امام صادق علیه السـلام نقل می کنـد که فرمود: «القائم منّا منصور بالرعب، مؤیّد بالنصـر... فعند ذلک خروجه قائمنا، فإذا خرج اسند ظهره إلی الکعبه واجتمع إلیه ثلاثمائه وثلاثه عشر رجلاً. واوّل

۱- ۳۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، ح ۱۹.

۲- ۳۳. معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۲۳، ح ۵۷۸..

ما ينطق به هذه الآیه «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَّکَمْ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ»(۱)...»؛(۲) «همانا قائم از ما کسی است که به رعب و ترس یاری شده و به نصرت تأیید می شود... .

تا آن که فرمود: در آن هنگام است خروج قائم ما، پس هنگامی که خروج کند بر کعبه تکیه دهد، در ان هنگام ۳۱۳ نفر دور او جمع می شوند، و اولین نطقی که می کند قرائت این آیه است: «بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُم مُّؤْمِنِینَ»...».

محمّد بن ابی عمیر نیز به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «هنگامی که خداوند متعال به قائم اذن خروج می دهد او بالای منبر رفته و مردم را به خود دعوت می کند آنان را به خدا قسم داده و دعوت به حقش خواهدنمود. امر می کند که به سیره رسول خداصلی الله علیه وآله عمل کرده و به مانند او رفتار نمایند. آن گاه خداوند عزوجلّ جبرئیل را می فرستد تا به نزدیک او آید. جبرئیل در حطیم فرود می آید و به او عرض می کند: به چه چیزی مردم را می خوانی؟ امام او را جواب می گوید....(۳)

و نیز از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «ینادی باسم القائم فیؤتی وهو خلف القائم»؛ «به اسم قائم علیه السلام ندا داده می شود، آن گاه او می آید و پشت مقام ابراهیم قرار می گیرد...».(۴)

۱- ۳۴. سوره هود، آیه ۸۶.

۲- ۳۵. کمال الدین، ص ۳۳۱، ح ۱۶، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۴۲.

۳- ۳۶. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۳، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲.

۴- ۳۷. غیبت نعمانی، ص ۲۶۳، ح ۲۵.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام

۲ - امامت در سنین کودکی

۳ - امامت و غیبت

۴ - غیبت صغری

۵ - غیبت کبری

۶ - وظایف ما در عصر غیبت

۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

۸ - بررسی دعای ندبه

۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

۱۰ - دفاع از مهدویت

۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی

۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان

۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان

۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث

۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل

۱۶ - مهدویت و جهانی سازی

۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۱۸ - علایم ظهور

۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص:۴۷



ص:۴۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا كسانى كه مى‌دانند و كسانى كه نمى‌دانند يكسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹